

سخنرانی، گفت‌وگو و کنشگری در جنبش شیر و خورشید

سه مقاله درباره اعتماد اجتماعی، مسئولیت اخلاقی و پهلویسم آینده‌گرا



دکتر پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

جراح تروما، فعال سیاسی و تحلیلگر

۹ اکتبر ۲۰۲۶ | ۱۷ مهر ۱۴۰۵

فهرست و درآمد

مقاله ۱. سخنران جنبش شیر و خورشید؛ اعتماد اجتماعی و مسئولیت اخلاقی

مقاله ۲. هنر بحث‌پردازی؛ از مناقشه تاریخی به گفت‌وگوی آینده‌نگر

مقاله ۳. کنشگری در شبکه‌های اجتماعی؛ از بیان هویت به اعتماد و همکاری

منابع و نوشته‌های مرتبط

سخنرانی در یک جنبش سیاسی تنها بیان شور و اعتراض نیست؛ فرصتی است برای روشن کردن مقصد، توضیح مسیر و ساختن اعتماد. من در این مجموعه از سخنران، گفت‌وگوکننده و کنشگر شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان سه نقش مرتبط سخن می‌گویم. هر سه باید بتوانند خواست آزادی را به زبان قانون، حقوق شهروندی و برنامه قابل بررسی ترجمه کنند. دفاع من از شاهزاده رضا پهلوی در همین چارچوب قرار می‌گیرد: رهبری برای انسجام ملی و گذار به نظامی که در آن رأی آزاد مردم، حدود قدرت را تعیین کند.

این مجموعه ادامه بحث‌هایی است که در نوشته‌های پیشین خود درباره پهلویسم آینده‌گرا، اخلاق گفت‌وگو، تفکر زمینه‌ای و نقد مسئولانه مطرح کرده‌ام. مقصود، جایگزین کردن آن نوشته‌ها نیست؛ در اینجا همان مبانی را به موقعیت عملی سخنرانی، مناظره، مصاحبه و انتشار محتوا در شبکه‌های اجتماعی پیوند می‌دهم. [۷، ۸، ۹، ۱۰]

روش این نوشته تحلیلی و هنجاری است. حمایت از پادشاهی مشروطه و ارزیابی نقش شاهزاده، موضع سیاسی من است؛ گزارش‌های حقوق‌بشری، روایت‌های منتشرشده و پیشنهادهای من از یکدیگر تفکیک شده‌اند. این متن پیمایش افکار عمومی یا نمایندگی همه خانواده‌های دادخواه نیست. اسناد بررسی‌شده، اوج سرکوب را در ۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶، برابر با ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، توصیف می‌کنند. رقم دقیق جان‌باختگان و گستره حمایت سیاسی را فراتر از شواهد موجود قطعی اعلام نمی‌کنم. [۱، ۲]

مقاله ۱

سخنران جنبش شیر و خورشید؛ اعتماد اجتماعی و مسئولیت اخلاقی

۱. قدرت فلسفه‌ای که به خواست مردم پاسخ می‌دهد

قدرت یک اندیشه سیاسی فقط از انسجام نظری آن نمی‌آید. هنگامی که مردم در آن اندیشه، پاسخی به نیازهای واقعی خود می‌یابند، اندیشه به نیروی اجتماعی تبدیل می‌شود. آزادی، امنیت، معیشت، کرامت و امکان تصمیم‌گیری درباره آینده، مفاهیمی انتزاعی نیستند؛ به زندگی روزمره انسان‌ها مربوط‌اند. از نظر من، قوت فلسفه جنبش شیر و خورشید در پیوند میان هویت ملی ایران و همین خواسته‌های ملموس است.

پذیرش اجتماعی را نمی‌توان با صدای بلندتر یا ادعای مالکیت بر مردم جایگزین کرد. نشانه‌های حمایت اهمیت دارند، اما هر نشانه تنها در حدود خود معنا دارد. حضور در تجمع، شعار، امضا یا همراهی با یک فراخوان، بیان یک انتخاب سیاسی است؛ برای تبدیل آن به ادعای عددی درباره تمام جامعه، به داده معتبر نیاز داریم. دفاع محکم از موضع خود، به اغراق درباره دامنه آن احتیاج ندارد.

من پهلویسم آینده‌گرا را ظرفی برای همکاری نیروهای دموکراتیک می‌دانم؛ ظرفی که ارزش آن باید با توانایی‌اش در ساختن ایران آزاد، مستقل و آباد سنجیده شود. این برداشت، وفاداری به یک نام را به تعهد نسبت به قانون، آزادی و مسئولیت شهروندی پیوند می‌زند. اگر اندیشه‌ای قرار است پذیرفته بماند، باید در برابر پرسش و تجربه نیز پاسخ‌گو باشد. [۷]

۲. دی‌ماه خونین و حرمت حقیقت

یاد جان‌باختگان دی‌ماه ۱۴۰۴ باید با دقت و احترام همراه باشد. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در گزارش ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶ از کشته‌شدن هزاران نفر، از جمله کودکان، در سرکوبی سخن گفت که از ۸ ژانویه شدت گرفت. همان گزارش، قطع ارتباطات و نبود دسترسی به ایران را مانع تأیید جزئیات بیشتر دانست. برای بیان بزرگی فاجعه، همین گزارش مستند اهمیت دارد؛ افزودن قطعیت ناموجود، خدمتی به دادخواهی نمی‌کند. [۱]

عفو بین‌الملل فشار بر خانواده‌ها، مشروط‌کردن تحویل پیکر به پرداخت مبالغ سنگین یا پذیرش روایت حکومتی، و اجبار به معرفی برخی قربانیان به‌عنوان اعضای بسیج را گزارش کرده است. کردپا نیز در گزارشی مبتنی بر روایت شاهد، از دریافت ۷۰۰ میلیون تومان برای تحویل پیکر گلاره محمودی‌آذر سخن گفته است. این مبلغ، گزارش یک مورد مشخص است؛ نمی‌توان آن را هزینه ثابت همه خانواده‌ها یا سندی درباره انگیزه پرداخت هر خانواده دانست. [۲، ۳]

نکته اصلی برای سخنران، حفظ پیوند میان رنج انسانی و حقیقت قابل بررسی است. خانواده‌ای که هم با فقدان عزیز خود و هم با فشار مالی و امنیتی روبه‌رو شده، نباید دوباره به ابزاری برای اثبات ادعای سیاسی ما تبدیل شود. بیان نام، جزئیات و موضع خانواده باید بر اطلاعات معتبر و رعایت خواست آنان استوار باشد. دادخواهی از دقت آسیب نمی‌بیند؛ از بی‌دقتی آسیب می‌بیند.

۳. خانواده‌های دادخواه، صاحبان صدای خود

در تحلیل سیاسی من، پایداری خانواده‌هایی که با وجود فقدان و فشار، همچنان از آزادی و رهبری شاهزاده رضا پهلوی دفاع می‌کنند، اهمیت فراوان دارد. شاهزاده نیز در پیام ۹ ژوئیه ۲۰۲۶ از دیدار با خانواده‌های جان‌باختگان و تأثیر پایداری آنان بر ادامه مسیر سخن گفته است. این بیان را باید به‌عنوان روایت منتشرشده او معرفی کرد، نه نتیجه یک بررسی مستقل درباره موضع همه خانواده‌ها. [۴]

از این روایت یا از نمونه‌های حمایت نمی‌توان نتیجه گرفت که هیچ خانواده‌ای انتقاد ندارد. نبودن یک صدای انتقادی در فضای قابل مشاهده ما، اثبات نبودن آن صدا نیست؛ به‌ویژه در شرایطی که امنیت، دسترسی و امکان بیان آزاد محدود است. همچنین سکوت یک خانواده را نباید موافقت یا مخالفت تفسیر کرد. حرمت دادخواهی اقتضا می‌کند که حق حمایت، نقد یا سکوت هر خانواده محفوظ بماند.

این دقت از موضع من نمی‌کاهد. من می‌توانم با اطمینان از رهبری شاهزاده دفاع کنم و هم‌زمان از نسبت دادن موضع واحد به همه مردم خودداری کنم. خانواده‌ها برای داشتن حق دادخواهی، موظف نیستند از شخص یا برنامه سیاسی مورد حمایت ما دفاع کنند. حق آنان از کرامت انسانی و حق عدالت می‌آید، نه از هم‌سوئی سیاسی.

۴. دفاع از حق اعتراض و پاسخ‌گویی سیاسی

در بحث درباره فراخوان‌های اعتراضی باید دو پرسش را جدا نگه داشت: چه کسی خشونت را اعمال کرده است، و تصمیم سیاسی چگونه باید ارزیابی شود؟ محکوم کردن سرکوب، مانع بررسی زمان‌بندی، آمادگی، ارتباطات یا هزینه‌های یک راهبرد نیست. در مقابل، نقد یک فراخوان نباید مسئولیت اعمال خشونت را از عامل آن بردارد یا حق اعتراض مردم را انکار کند. حق حیات، آزادی بیان و تجمع مسالمت‌آمیز در میثاق حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده‌اند. [۵]

از نظر من، سخنران نباید برای دفاع از آزادی و یک موضع سیاسی مشروع، احساس شرمساری کند. اما این اطمینان اخلاقی به معنای فقدان مسئولیت نیست. سخنران باید درباره آمار، خطرها، وعده‌ها و حدود دانسته‌های خود صادق باشد. نمی‌توان از فاصله امن، هزینه‌ای را برای دیگران کوچک جلوه داد؛ نمی‌توان آینده‌ای قطعی وعده داد که شواهدی برای قطعیت آن نداریم.

مقایسه اعتراض خیابانی، اعتصاب و دیگر شکل‌های کنش مدنی نیز به بررسی شرایط واقعی نیاز دارد. هیچ‌یک را نمی‌توان صرفاً با تصور یک نتیجه مطلوب، همواره کم‌هزینه یا موفق دانست. من از گفت‌وگویی دفاع می‌کنم که امکانات، محدودیت‌ها و نتایج را بررسی کند و از تبدیل رنج قربانیان به ابزار سرزنش آنان پرهیزد.

۵. شاهزاده رضا پهلوی و مقصد نهادی گذار

من شاهزاده رضا پهلوی را کانونی مهم برای انسجام ملی و هماهنگی دوران گذار می‌دانم. استدلال من درباره این نقش باید به توانایی جمع‌کردن نیروها حول یک مقصد روشن مربوط باشد: تمامیت ارضی، جدایی دین از دولت، برابری شهروندان و حق انتخاب مردم. سخنران باید بتواند توضیح دهد که حمایت از رهبری گذار چگونه به محدود شدن قدرت و شکل‌گیری نهادهای پاسخ‌گو می‌انجامد.

صفحه رسمی پروژه شکوفایی ایران، نسخه مارس ۲۰۲۶، همه‌پرسی برای تعیین نظام حکومت، انتخاب مجلس مؤسسان و انتخابات پارلمان را از سازوکارهای دموکراتیک معرفی می‌کند. این سند، برنامه پیشنهادی است؛ اجرای موفق آن را نمی‌توان از پیش تضمین شده دانست. در سخنرانی باید از محتوای منتشرشده سخن گفت و هر برداشت یا پیشنهاد تکمیلی را به خود نسبت داد. [۶]

پادشاهی مشروطه و دموکراسی پارلمانی انتخاب سیاسی مطلوب من است. دفاع از این انتخاب زمانی منسجم است که حق مردم برای انتخاب آزاد را نیز بپذیرم. پهلویسم آینده‌گرا در برداشت من باید از حافظه تاریخی به نهادهای برسد: قانون اساسی، پارلمان، قوه قضائیه مستقل و حکمرانی قابل نظارت. گذشته می‌تواند الهام‌بخش باشد؛ اعتبار آینده باید در کیفیت این نهادها شکل بگیرد. [۷]

۶. نمونه‌ای برای آغاز سخنرانی

من، پیمان بخشایش، از آینده‌ای برای ایران دفاع می‌کنم که در آن هیچ شهروندی به دلیل عقیده، دین، جنسیت یا گرایش سیاسی از حقوق برابر محروم نشود. حمایت من از شاهزاده رضا پهلوی در چارچوب انسجام ملی و گذار به چنین آینده‌ای است. مقصد من حکومتی است که قدرت‌ش از رأی آزاد مردم بیاید و در برابر قانون و نهادهای منتخب پاسخگو باشد.

جان‌باختگان و خانواده‌های دادخواه، مسئولیتی در برابر ما گذاشته‌اند: حقیقت را دقیق بیان کنیم، حق عدالت را پاس بداریم و رنج آنان را به رقابت بر سر وفاداری تبدیل نکنیم. مخالفت با یک راهبرد سیاسی، مجوز توجیه سرکوب نیست؛ حمایت از یک رهبر نیز مجوز بستن راه نقد نیست.

ما باید درباره روز بعد از جمهوری اسلامی حرف روشن داشته باشیم: امنیت شهروندان، تداوم خدمات ضروری، حقوق بشر، مجلس مؤسسان، انتخابات آزاد و نظارت بر قدرت. من از پادشاهی مشروطه و سکولار دموکراسی پارلمانی دفاع می‌کنم و انتخاب نهایی مردم را محترم می‌شمارم. انسجام ملی باید ما را برای ساختن این آینده آماده کند.

مقاله ۲

هنر بحث‌پردازی؛ از مناقشه تاریخی به گفت‌وگوی آینده‌نگر

۷. تاریخ را در زمینه خودش بفهمیم

گذشته پیچیده است، زیرا تصمیم سیاسی در محیطی از فرصت‌ها، محدودیت‌ها، اطلاعات ناقص و نیروهای رقیب شکل می‌گیرد. برای فهم تصمیم یک فرد یا دولت باید دانست در زمان و مکان خود با چه مسئله‌ای روبه‌رو بوده است. این همان ضرورت تفکر زمینه‌ای است که در نوشته پیشین خود بر آن تأکید کرده‌ام. قضاوتی که زمینه را حذف کند، ممکن است روشن به نظر برسد، اما عمق توضیحی خود را از دست می‌دهد. [۹]

با این حال، تأثیر زمینه به معنای جبر کامل تاریخ نیست. محدودیت‌ها دامنه انتخاب را شکل می‌دهند؛ وجود محدودیت، همه تصمیم‌ها را یکسان یا همه خطاها را اجتناب‌ناپذیر نمی‌کند. توضیح علت یک رفتار نیز الزاماً توجیه اخلاقی آن نیست. می‌توان دستاوردهای نوسازی و دولت‌سازی را بررسی کرد و هم‌زمان پرسش‌های مربوط به آزادی، تکرر و تمرکز قدرت را باز گذاشت.

پژوهش تاریخی دقیق به سند، مقایسه روایت‌ها و امکان بازبینی نیاز دارد. مورخان و دیگر پژوهشگران می‌توانند حاصل این کار را در کتاب، مقاله و مستند عرضه کنند؛ شهروندان نیز حق پرسش و بحث دارند. مسئله من منع گفت‌وگو درباره گذشته نیست؛ مسئله آن است که یک گفت‌وگوی کوتاه و پرتنش، جای تحقیق مفصل را نمی‌گیرد.

۸. تمرکز راهبردی را از دست ندهیم

وظیفه امروز سخنران جنبش، دفاع بی‌پایان از همه تصمیم‌های گذشته نیست. اگر هر مصاحبه به محاکمه دوباره تاریخ تبدیل شود، پرسش‌های اصلی آینده بی‌پاسخ می‌مانند: قدرت چگونه مهار می‌شود؟ حقوق مخالف سیاسی چگونه حفظ می‌شود؟ خدمات عمومی در دوران گذار چگونه ادامه می‌یابد؟ شهروندان چه زمانی و با چه تضمینی رأی می‌دهند؟

من در سخنرانی‌های مربوط به گذار، اولویت را به برنامه، حقوق بشر و ساختار نهادی می‌دهم. هرگاه یک پرسش تاریخی واقعاً به مسئله امروز مربوط باشد، باید به آن پاسخ متناسب داد؛ هرگاه پاسخ به تحقیق بیشتر نیاز دارد، باید منبع و حدود دانسته‌ها را روشن کرد. سپس می‌توان ارتباط آن پرسش با تضمین‌های آینده را توضیح داد. این انتقال باید استدلالی و آشکار باشد تا مخاطب احساس نکند پرسشش نادیده گرفته شده است.

برای نمونه، پرسش درباره تمرکز قدرت در گذشته می‌تواند به بحثی مشخص درباره تفکیک قوا، انتخابات رقابتی و نظارت پارلمانی در آینده برسد. پاسخ مسئولانه نه انکار پرسش است و نه پذیرفتن این فرض که آینده باید تکرار گذشته باشد. آینده‌نگری زمانی معتبر است که بتواند از نقد تاریخی، یک تعهد نهادی روشن استخراج کند.

۹. استدلال را از اعلام وفاداری جدا کنیم

در نوشته پیشین خود درباره دیالوگ و رتوریک توضیح داده‌ام که شنیدن و اقناع باید یکدیگر را کنترل و تکمیل کنند. گفت‌وگو بدون تلاش برای رساندن پیام ممکن است محدود بماند؛ اقناع بدون شنیدن و بازبینی می‌تواند به تبلیغات تبدیل شود. سخنران باید هم مقصدی داشته باشد و هم آمادگی اصلاح استدلال خود را حفظ کند. [۸]

در بحث، نخست باید گزاره مورد اختلاف روشن شود. آیا درباره وقوع یک رویداد اختلاف داریم، درباره علت آن، یا درباره خوب و بد بودنش؟ سند برای اثبات یک واقعه، به‌تنهایی همه تفسیرهای علی را اثبات نمی‌کند. محبوبیت یک فرد نیز به‌تنهایی درستی همه تصمیم‌های او را نشان نمی‌دهد. هر ادعا باید با معیاری متناسب با نوع خود ارزیابی شود.

من حمایت خود از شاهزاده را پنهان نمی‌کنم؛ اما نمی‌خواهم این حمایت جای پاسخ به پرسش را بگیرد. پرسش درباره برنامه گذار باید با توضیح برنامه پاسخ داده شود. پرسش درباره حقوق منتقد باید با تضمین آن حقوق پاسخ بگیرد. شعار می‌تواند هویت جمعی را بیان کند؛ برای اقناع یک مخاطب پرسشگر، استدلال و شاهد نیز لازم است.

۱۰. پاسخ به نقد فراخوان؛ بدون انتقال مسئولیت خشونت

اگر مخاطبی بگوید فراخوان اعتراضی پرهزینه بوده و اعتصاب می‌توانسته مؤثرتر باشد، پاسخ مناسب با تحقیر او آغاز نمی‌شود. باید روشن کرد که او چه ادعایی دارد و برای مقایسه دو راهبرد چه شواهدی ارائه می‌کند. نقد می‌تواند دلسوزانه، نادرست، ناقص یا دارای انگیزه سیاسی باشد؛ انگیزه را نمی‌توان صرفاً از نتیجه‌ای که پسند ما نیست استنتاج کرد.

پاسخ پیشنهادی من چنین است: «ارزیابی زمان‌بندی و آمادگی یک فراخوان، موضوعی قابل بحث است و حفظ جان مردم باید در مرکز آن باشد. در عین حال، اعمال خشونت علیه معترضان را باید با توجه به رفتار عاملان آن بررسی کرد. برای مقایسه راهبردها، لازم است بدانیم هر گزینه در همان شرایط چه امکانات و محدودیت‌هایی داشته است. اکنون نیز باید درباره مسیر پاسخ‌گو و حقوق‌محور گذار گفت‌وگو کنیم.»

این پاسخ هم راه نقد را باز می‌گذارد و هم مانع مخدوش‌شدن مسئولیت خشونت می‌شود. دفاع من از شاهزاده با پذیرش امکان بررسی تصمیم‌ها سازگار است. جنبشی که فردا حکومت پاسخ‌گو می‌خواهد، باید امروز نیز توان بحث درباره راهبرد خود را نشان دهد. نقد مسئولانه، با اتهام‌زنی بی‌سند و تخریب شخصی تفاوت دارد. [۱۰]

۱۱. نقد اندیشه، بدون تحقیر هویت

چپ، راست، جمهوری‌خواه، مشروطه‌خواه یا مذهبی‌بودن، به‌تنهایی کیفیت یک استدلال را تعیین نمی‌کند. من می‌توانم با اسلام سیاسی، انحصارطلبی ایدئولوژیک یا سیاستی که آزادی را محدود می‌کند مخالفت کنم، بدون آنکه حقوق برابر یک شهروند مذهبی یا مخالف خود را انکار کنم. سکولار دموکراسی باید بتواند تفاوت عقیده را در چارچوب قانون تحمل کند.

در بیان عمومی، بهتر است دقیقاً روشن کنیم کدام گزاره یا رفتار را نقد می‌کنیم. نسبت‌دادن یک انگیزه واحد به همه اعضای یک گرایش، بحث را از موضوع اصلی دور می‌کند. همچنین نمی‌توان اختلاف درباره شکل حکومت را به‌تنهایی نشانه دشمنی با ایران دانست. برای همکاری دوران گذار، توافق بر حقوق و قواعد مشترک اهمیت دارد؛ پس از آن، رقابت درباره سیاست‌ها و ساختار نهایی باید آزاد باشد.

قاطعیت در برابر سرکوب و انحصار قدرت، با احترام به کرامت مخالف تعارض ندارد. در برداشت من، توان یک جنبش ملی در این است که از اصول خود دفاع کند و همچنان برای کسانی که نام یا روایت متفاوتی دارند، جای شهروندی برابر باقی بگذارد. این همان آزمونی است که حمایت از دموکراسی را از صرفاً مطالبه قدرت متمایز می‌کند.

۱۲. یک روش عملی برای پاسخ‌دادن

پیشنهاد من برای گفت‌وگوی کوتاه، چهار گام است: پرسش را با زبان منصفانه بازگو کنیم؛ معلوم کنیم پاسخ به واقعیت، تفسیر یا ترجیح سیاسی مربوط است؛ پاسخ روشن و شاهد متناسب بدهیم؛ و نسبت آن را با برنامه یا حقوق آینده توضیح دهیم. این ترتیب کمک می‌کند که سرعت گفت‌وگو، دقت آن را از بین نبرد.

اگر پاسخ را نمی‌دانیم، بیان همین ندانستن بخشی از اعتبار ماست. می‌توان گفت: «برای این عدد یا این جزئیات، اکنون منبع کافی ندارم؛ آن را بررسی می‌کنم.» اگر خطایی کرده‌ایم، باید همان خطا را مشخص و اصلاح کنیم. اعتماد با وانمودکردن به دانایی کامل ساخته نمی‌شود؛ با قابل اعتماد بودن در حدود دانسته‌ها ساخته می‌شود.

همچنین سخنران باید بداند چه زمانی بحث دیگر پیش نمی‌رود. تکرار توهین، تغییر مداوم موضوع یا اصرار بر ادعایی بدون شاهد، می‌تواند گفت‌وگو را بی‌حاصل کند. در این وضعیت می‌توان با توضیح کوتاه، بحث را متوقف کرد یا به زمان و قالب مناسب‌تری سپرد. حفظ تمرکز و آرامش، بخشی از مسئولیت در برابر مخاطبی است که برای شنیدن استدلال آمده است.

مقاله ۳

کنشگری در شبکه‌های اجتماعی؛ از بیان هویت به اعتماد و همکاری

۱۳. یک فلسفه روشن در قالب‌های متفاوت

اینستاگرام، یوتیوب و دیگر شبکه‌های اجتماعی، قالب‌های متفاوتی برای ارتباط فراهم می‌کنند. پیشنهاد من این است که پیام اصلی ثابت بماند و اندازه و صورت ارائه متناسب با قالب تغییر کند. یک ویدئوی کوتاه می‌تواند یک پرسش مشخص را پاسخ دهد؛ یک گفت‌وگوی بلند می‌تواند فرض‌ها، شواهد و اعتراض‌های رقیب را بررسی کند؛ یک مقاله باید امکان بازخوانی و مراجعه به منابع را فراهم سازد.

هسته پیام من، ایران مستقل و یکپارچه، حقوق برابر شهروندان، سکولار دموکراسی پارلمانی و گذار پاسخ‌گو با نقش انسجام‌بخش شاهزاده رضا پهلوی است. کوتاه‌کردن پیام نباید به حذف حق انتخاب مردم یا ساختن وعده قطعی بینجامد. مخاطب باید بتواند در نسخه کوتاه و بلند، همان تعهد سیاسی و همان حدود ادعا را تشخیص دهد.

تصویر همراه این مجموعه، بیان نمادین هویت و علایق نویسنده است. تصویر می‌تواند توجه و پیوند عاطفی ایجاد کند؛ اعتبار استدلال از متن و منابع می‌آید. باید روشن بماند که یک تصویر نمادین، سند یک رویداد تاریخی یا شهادی درباره میزان حمایت اجتماعی نیست.

۱۴. پیش از انتشار، ادعا را بررسی کنیم

پیش از انتشار هر محتوا، سه پرسش ساده می‌تواند کیفیت کار را بالا ببرد: دقیقاً چه می‌گوییم؟ از کجا می‌دانم؟ مخاطب چگونه می‌تواند آن را بررسی کند؟ عدد باید تاریخ و دامنه داشته باشد؛ نقل قول باید به متن اصلی متصل باشد؛ یک ویدئو باید تا حد امکان از نظر زمان، مکان و زمینه بررسی شود. هرگاه تأیید ممکن نیست، همان محدودیت باید در کنار ادعا بیان شود.

میان خبر، تحلیل و پیشنهاد خود تمایز بگذاریم. عبارت «این نهاد گزارش کرده است» با «برداشت من این است» و «پیشنهاد من این است» کارهای متفاوتی انجام می‌دهند. این تفکیک از قدرت بیان نمی‌کاهد؛ به مخاطب اجازه می‌دهد بداند کدام بخش را با سند و کدام بخش را با استدلال ارزیابی کند.

پس از انتشار نیز مسئولیت پایان نمی‌یابد. اگر منبع اصلاح شد یا ادعایی نادرست از آب درآمد، باید اصلاحیه‌ای روشن و قابل یافتن منتشر کنیم. حذف خاموش یک خطا، برای کسانی که نسخه قبلی را دیده‌اند کافی نیست. در مجموعه‌ای که مدعی دفاع از قانون و عقلانیت است، اصلاح عمومی خطا باید رفتاری عادی و محترم باشد.

۱۵. دادخواهی را به محتوای مصرفی تبدیل نکنیم

رنج خانواده‌ها را باید با احترام روایت کرد. تصویر، نام یا اطلاعات شخصی یک جان‌باخته، زخمی یا بازمانده، صرفاً ماده خام تولید محتوا نیست. پیش از بازنشر، باید اعتبار اطلاعات، خواست خانواده و امکان ایجاد خطر برای افراد زنده را در نظر گرفت. عمومی بودن یک محتوا، به‌تنهایی به معنای رضایت برای هر نوع استفاده تازه از آن نیست.

هرگاه صدای خود خانواده در دسترس است، آن صدا باید در حدود خواست آنان شنیده شود. نباید از اندوه آنان موضع سیاسی‌ای استخراج کرد که خود بیان نکرده‌اند. همچنین همراهی با یک برنامه سیاسی، نباید شرط دیده‌شدن نام قربانی یا حمایت از دادخواهی باشد. عدالت به همه قربانیان تعلق دارد.

برای من، احترام به دادخواهی بخشی از فلسفه آینده ایران است. کشوری که می‌خواهیم بسازیم باید بتواند حقیقت را حفظ کند، مسئولیت را به‌صورت فردی و مستند بررسی کند و کرامت انسان را از تعلق سیاسی او مستقل بداند. رفتار ارتباطی امروز ما می‌تواند تمرینی برای همین فرهنگ باشد.

۱۶. گفت‌وگو با خبرنگار و سیاستمدار؛ مسئله، سند و درخواست روشن

در ارتباط با خبرنگار، روزنامه‌نگار، مدیر رسانه یا سیاستمدار، باید بتوانیم مسئله را روشن و قابل پیگیری عرضه کنیم. شرح رنج مردم اهمیت دارد، اما در کنار آن باید معلوم باشد چه سندی داریم و چه اقدامی پیشنهاد می‌کنیم. یک پیام کوتاه می‌تواند شامل مسئله مشخص، منبع معتبر و درخواست بررسی یا گفت‌وگو باشد.

برای نمونه، گزارش مستند درباره نقض حقوق شهروندان می‌تواند به درخواست توجه رسانه‌ای، پیگیری سازوکارهای مستقل حقیقت‌یابی یا گفت‌وگو درباره تضمین‌های حقوق بشری دوران گذار متصل شود. حمایت من از شاهزاده باید در کنار توضیح روشن مقصد دموکراتیک مطرح شود. عنوان و نماد سیاسی، جای توضیح درباره رأی مردم، حقوق مخالف و نظارت بر قدرت را نمی‌گیرد.

نباید خود را نماینده رسمی شخص، دفتر یا همه ایرانیان معرفی کنیم، مگر اختیار مشخصی برای آن نقش داشته باشیم. من با نام، سابقه و دیدگاه خود سخن می‌گویم. این شفافیت به مخاطب امکان می‌دهد موضع مرا در جای درست ارزیابی کند و از اشتباه‌گرفتن پیشنهاد شخصی با برنامه رسمی جلوگیری می‌کند.

۱۷. اثر اجتماعی را با نتیجه بسنجیم

تعداد بازدید، پسند و دنبال‌کننده، بخشی از اطلاعات ارتباطی است؛ از آن نمی‌توان به‌تنهایی میزان اعتماد یا اثر سیاسی را نتیجه گرفت. پیشنهاد من این است که در کنار این اعداد، نتیجه‌های مشخص نیز بررسی شوند: آیا یک پرسش بهتر پاسخ داده شد؟ آیا منبع معتبر به دست مخاطب رسید؟ آیا گفت‌وگویی با یک نهاد شکل گرفت؟ آیا همکاری‌ای به انجام رسید؟

هر نتیجه باید با تعریف و دامنه روشن ثبت شود. انتشار مقاله با خوانده‌شدن آن یکسان نیست؛ درخواست جلسه با برگزارشدن جلسه تفاوت دارد؛ قول همکاری نیز هنوز نتیجه همکاری نیست. ثبت دقیق این تفاوت‌ها، امکان یادگیری و اصلاح مسیر را فراهم می‌کند و از ساختن تصویری اغراق‌آمیز از موفقیت جلوگیری می‌کند.

برای هر سخنرانی یا کارزار، بهتر است هدفی محدود و قابل بررسی تعیین کنیم. پس از آن، ببینیم چه چیزی محقق شد، چه چیزی نشد و چرا. در چنین رویکردی، شور سیاسی به مسئولیت اجرایی پیوند می‌خورد. انسجام ملی نیز از مجموعه همین کارهای قابل اعتماد و پیوسته ساخته می‌شود.

۱۸. پهلویسم آینده‌گرا در زبان روزمره جنبش

در زبان روزمره شبکه‌های اجتماعی می‌توان این موضع را ساده و روشن بیان کرد: «حمایت من از شاهزاده رضا پهلوی، حمایت از انسجام ملی و گذار به حکومتی پاسخ‌گوست. من از پادشاهی مشروطه دفاع می‌کنم و انتخاب آزاد مردم را محترم می‌دانم.» این بیان، هم ترجیح سیاسی را آشکار می‌کند و هم حدود آن را نشان می‌دهد.

در برابر مناقشه تاریخی نیز می‌توان گفت: «گذشته را باید با سند و در زمینه خودش بررسی کرد. پرسش امروز من این است که چگونه آزادی، حقوق برابر و نظارت بر قدرت را در آینده تضمین کنیم.» اگر پرسش تاریخی مشخصی مطرح شده، این جمله باید پس از پاسخ متناسب به آن پرسش بیاید، تا بهانه‌ای برای گریز از پاسخ‌گویی نشود.

من جنبش شیر و خورشید را در افق ساختن آینده می‌فهمم. سخنران و کنشگر اجتماعی باید این افق را قابل فهم، قابل بررسی و قابل همکاری کند. یاد گذشته، احترام به جان‌باختگان و دفاع از رهبری شاهزاده، زمانی به نیروی سازنده تبدیل می‌شوند که به قانون، حقوق شهروندی، سازمان‌دهی و نهادهای دموکراتیک پیوند بخورند. این مسئولیتی است که من برای گفتار سیاسی خود می‌پذیرم.

منابع و نوشته‌های مرتبط

منابع در ۹ اکتبر ۲۰۲۶ بررسی شده‌اند. شماره‌های داخل متن به این فهرست مربوط‌اند. با انتخاب نام منبع یا پیوند زیر آن می‌توانید متن اصلی را باز کنید.

۱. دفتر سازمان ملل در ژنو / دفتر کمیسر عالی حقوق بشر. گزارش سخنان فولکر تورک در نشست ویژه شورای حقوق بشر درباره ایران. ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶.

گزارش نهادی درباره کشتار و محدودیت راستی‌آزمایی
Read source: www.unognewsroom.org

۲. عفو بین‌الملل بریتانیا. سرکوب نظامی گسترده برای پنهان کردن کشتار معترضان در ایران. ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶.

گزارش حقوق بشری درباره سرکوب و فشار بر خانواده‌ها
Read source: www.amnesty.org.uk

۳. کردپا؛ آوین مصطفی‌زاده. روایت شاهد از مراسم یادبود گل‌اله محمودی‌آذر، دانشجوی ۳۱ ساله. ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶؛ روایت مربوط به ۱۹ ژانویه.

گزارش موردی مبتنی بر روایت شاهد؛ رقم ۷۰۰ میلیون تومان
Read source: kurdpa.net

۴. رضا پهلوی. پیام شش ماه پس از خیزش ۸ و ۹ ژانویه. وبگاه رسمی، ۹ ژوئیه ۲۰۲۶.

منبع اولیه برای بیان موضع و روایت خود او؛ نه پیمایش مستقل
Read source: rezapahlavi.org

۵. سازمان ملل متحد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. مصوب ۱۹۶۶؛ مواد ۶، ۱۹، ۲۱، ۲۵ و ۲۶.

متن حقوقی درباره حق حیات، بیان، تجمع، مشارکت و برابری
Read source: 2covenants.ohchr.org

۶. کارزار ایران را پس می‌گیریم. پروژه شکوفایی ایران؛ معرفی نسخه مارس ۲۰۲۶ و اصول و سازوکارهای پیشنهادی گذار.

منبع اولیه برنامه سیاسی؛ توصیف پیشنهاد، نه تضمین اجرا
Read source: iranopasmigirim.com

۷. پیمان بخشایش. پهلویسم آینده‌گرا؛ ظرفی سیاسی ماگزیمالیستی برای اپوزیسیون ایران. نسخه انتشار ۷ اکتبر ۲۰۲۶.

نوشته پیشین نویسنده؛ چارچوب همگرایی و نهادسازی
Read source: secular-democratic-movement.peyman-bakhshayesh71.chatgpt.site

۸. پیمان بخشایش. هنر دیالوگ و رتوریک در دل جنبش شیر و خورشید؛ از فلسفه گفت‌وگو تا اخلاق اقناع سیاسی. اوت ۲۰۲۶.

نوشته پیشین نویسنده درباره گفت‌وگو و اقناع

Read source: secular-democratic-movement.peyman-bakhshayesh71.chatgpt.site

۹. پیمان بخشایش. تفکر زمینه‌ای؛ مدلی برای قضاوت عمیق، کاهش خطای دید و مدیریت هیجان. ۲ ژوئن ۲۰۲۶.

نوشته پیشین نویسنده درباره زمینه و قضاوت

Read source: secular-democratic-movement.peyman-bakhshayesh71.chatgpt.site

۱۰. پیمان بخشایش. نقد نقادانه مسئولانه در دل انقلاب شیر و خورشید؛ از رنسانس ایرانی تا انضباط راهبردی گذار. ۲۳ مه ۲۰۲۶.

نوشته پیشین نویسنده درباره نقد و کثرت‌گرایی

Read source: secular-democratic-movement.peyman-bakhshayesh71.chatgpt.site